



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوة والسلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

۷

نگارهای منقار



ممن بخزانی استاد حسین انصاریان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نگاهی به مقام قمر بنی هاشم (ع)

نویسنده:

استاد حسین انصاریان

ناشر چاپی:

دارالعرفان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

- ۵ فهرست
- ۶ نگاهی به مقام قمر بنی هاشم علیه السلام
- ۶ مشخصات کتاب
- ۶ سخن ناشر
- ۶ معنای «كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»
- ۷ معنای «وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّْ وَالْبَحْرِ»
- ۸ معنای «وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ»
- ۹ معنای «وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»
- ۱۰ علی(ع) جان پیامبر(ص)
- ۱۱ مقام قمر بنی هاشم(ع) از زبان حسین(ع)
- ۱۱ پاورقی
- ۱۱ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

نگاهی به مقام قمر بنی هاشم علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه: انصاریان حسین ۱۳۲۳ - عنوان و نام پدید آور: نگاهی به مقام قمر بنی هاشم علیه السلام/مؤلف حسین انصاریان؛ ویرایش و تحقیق مرکز تحقیقاتی دارالعرفان الشیعی. مشخصات نشر: قم: دارالعرفان، ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری: ۳۶ص.م.س. ۱۶/۵ X شابک: : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۳۹-۳۱-۲ ۳۵۰۰ریال وضعیت فهرست نویسی: فیبا موضوع: انصاریان، حسین، ۱۳۲۳ - وعظ موضوع: عباس بن علی (ع)، ۲۶ - ۶۱ق - کرامت‌ها شناسه افزوده: انتشارات دارالعرفان رده بندی کنگره: ۵/۱۰/۵BP/الف/۸۲ن۸۴ ۱۳۸۸ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۰۸ شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۴۸۲۴۵

سخن ناشر

آنچه انسان را در مسیر پر فراز و نشیب زندگانی از نابسامانی‌ها محفوظ می‌دارد و موجب سعادت و سرفرازی و سربلندی او در امتحانات الهی می‌شود، پژوهش پیرامون علوم الهی و معارف اسلامی و پوشاندن جامه عمل به دستورات بلند ربانی می‌باشد. در این خصوص، دستیابی به حقیقت معارف الهی و آشنایی با جایگاه حساس و ویژه آن‌ها در حیات انسانی، ضروری احساس می‌شود. مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان، در راستای اهداف الهی خود، این بار افزون بر استفاده از مطالب پربار و عالمانه دانشمند محقق حضرت استاد حسین انصاریان، با انتشار گلچینی از متن سخنرانی‌های معظم له، از بیان پر حرارت و جذاب سخنرانی‌های استاد نیز تشنگان معارف سراسر نور ائمه اطهار: را بی نصیب نگذاشته و بدون خارج ساختن متن سخنرانی از قالب گفتاری آن، باب دیگری را برای استفاده از معارف آل‌الله: و سیراب گشتن از این چشمه پرفیض باز نموده است. امید که با عنایات خاص اهل بیت عصمت و طهارت: بیش از پیش بتوانیم از زمزم معارف آن ذوات مقدس سیراب گردیم. مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان الشیعی بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی سید الانبیاء و المرسلین حبیب الہنا و طیب نفوسنا ابی القاسم محمد صلی الله علیه و علی اهل بیتہ الطیبین الطاہرین المعصومین المکرمین

معنای «کَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»

مسلم است که در عالم هستی، از نظر استعداد، و به تعبیر حکما، قوه، هیچ موجودی مانند انسان نیست. برای اثبات چنین قضیه‌ای نیازی ندارد که ما برای شناخت ویژگی و موقعیت انسان، به سراغ کلمات حکمای الهی برویم، هر چند که در این زمینه حکما انصافاً زحمت کشیده‌اند و اسراری را در این زمینه یافته و بیان کرده‌اند. بهترین منبعی که ما باید برای شناخت ویژگی این موجود در عالم خلقت، به آن مراجعه کنیم، قرآن کریم و روایات اهل بیت: است که انسان‌شناس‌های کامل و جامعی هستند. در سوره مبارکه اسراء، سازنده، خالق و به وجود آورنده انسان می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (۱) خداوند متعال در این آیه تنها نمی‌گوید که انسان را گرامی داشته و او را به عنوان موجودی ارزشمند به حساب آورده است، و من هم به دنبال این نیستم که گرامی داشت و بارزش به حساب آوردن انسان را از طرف خداوند متعال روایت و نقد می‌کنیم؛ چون گاهی قرآن مطالبی را از قول دیگران نقل می‌کند، امّا این جا و در آیه می‌فرماید: «کَرَّمْنَا»، «حَمَلْنَا»، «رَزَقْنَا» و «فَضَّلْنَا»، و در آن چهار حقیقت را بیان کرده و کنار هر چهار حقیقت، ضمیر جمع «نا»، قرار داده است. «نا» همان معنای «نحن» را می‌دهد؛ «نحن» ضمیر جمع است. معنای این که خداوند سبحان، با این که احد، و احد

و فرد است، در این جای قرآن، خود را با ضمیر جمع مطرح می‌کند، آن است که این وجود مقدس که همه حقایق را، همه اسمای حسنی و صفات علیا را، به صورت یکجا پیش خود دارد، می‌خواهد انسان را گرمی بدارد: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ». اما این گرمی داشتن انسان، به هندسه هیکل او مرتبط نیست؛ چراکه همه موجودات عالم، دارای هندسه هیکل هستند. کرات هم هندسه هیکل دارند؛ درختان هم هندسه هیکل دارند؛ حیوانات هم آن را دارند، و چه بسا که بعضی از موجودات، زیبایی خاصی را در ظاهر خود دارند، در صورتی که انسان چنین زیبایی خاصی را در ظاهر خود ندارد، مثل بعضی از عروس‌های دریایی و ماهیان که انگار پوست طبیعی شان از زیباترین پارچه بافته شده است، آن هم با زیباترین رنگ آمیزی که تماشاگران را به حیرت می‌اندازد، ولی هیچ انسانی نقش، رنگ و زیبایی این پوست را ندارد؛ بلکه خداوند متعال انسان را گرمی داشت، به این که به او با ارزش‌ترین، شیرین‌ترین، پرمفعت‌ترین و سودمندترین گوهر و شیء باارزشی را که در این عالم ساخته و پرداخته، داده است؛ یعنی خداوند در این شاخه از طبیعت، عقل را قرار داده است؛ چنان که اگر ما عالم را به منزله یک درخت فرض کنیم و همه موجودات را هم شاخه‌های این درخت در نظر بیاوریم، تنها شاخه‌ای که با ارزش‌ترین میوه و گوهر در آن قرار داده شده، انسان است؛ خداوند به انسان عقل داد؛ عقلی که بنا به نقل از جلد اول اصول کافی در باب اول، خداوند سبحان درباره آن فرموده است: وقتی که آفریده شد، به او خطاب گشت، من مخلوقی محبوب‌تر از تو نیافریدم، و به عقل فرمود، من هر پاداشی را که به انسان بدهم و حتی این پاداش نهایی را که بهشت و فردوس اعلاست، تنها به خاطر تو است؛ چون عقل را که از انسان بگیرند، انسان دیوانه‌ای زنجیری است، و همین‌طور به هر کس که دوزخ بدهم، تنها به خاطر تو، به او دوزخ می‌دهم؛ برای این که این انسان به تو خیانت کرده و تو را به کار نگرفته است؛ تو را معطل کرده است؛ تو را با این عظمت، گرفتار هفتاد نوع معطلی کرده است: پنی‌شناسی، کره‌شناسی، شیرشناسی و اسکناس‌شماری، در حالی که من تو را در انسان قرار دادم تا او با تو سل به تو، به من برسد؛ به مقام قرب من برسد و در این عالم، به ارزش‌ها دست پیدا کند، نه این که او بیاید تو را اسیر نماید و پشت خواهش‌های شیطانی پنهان کند و در تاریکی نفس اماره تو را له سازد و من هم بینم که ارزشمندترین گوهرم در عالم، به دست انسان دارد، نابود می‌شود و من هم در برابر این نابود کردن، کاری انجام ندهم. در حقیقت، خداوند متعال می‌خواهد به انسان بگوید، اگر سنگی به شیشه پنجره خانه‌ات بزنند، شیشه‌ای که با دو سه هزار تومان می‌توانی شکسته شدن آن را جبران کنی، داد و فریادت در می‌آید و عربده می‌کشی؛ پسر سنگ‌انداز را می‌آوری و به صورتش سیلی می‌زنی، و بعد به درب خانه آن پسر می‌روی و بر سر بابایش داد و هوار می‌کشی، یا این که اگر کسی تیشه بردارد و یک آجر خانه‌ات را بیرون بکشد، یا کسی با نوک چاقو کتت را پاره کند، و یا به ماشینت خشی بیاندازد، تو می‌خواهی زمین و آسمان را به هم بدوزی. آن وقت کسی بیاید یکی از باارزش‌ترین مخلوقات من را که به او امانت داده‌ام تا با آن به من برسد، به اسارت بگیرد و در تاریکی‌های متراکم گناه، آن را گم نماید و من هم در برابر چنین کاری، هیچ عکس‌العملی نشان ندهم؛ یعنی من خدایی هستم که در مقابل نابود شدن ارزش‌ها، این قدر بی‌تفاوتم. قرآن و روایات، ملاک همه برنامه‌های ارزشی را عقل قرار داده‌اند، و درجات بهشت، به تناسب درجات عقل است؛ انسان با آن می‌تواند، خوب و بد را و حق و باطل را تشخیص و تمییز دهد. معنای «كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»، این است که ما بنی آدم را با دادن عقل تکریم نمودیم؛ چنان که اگر عقل را از انسان بگیرند، او دیگر تکلیفی ندارد، و خدا هم با او کاری نخواهد داشت؛ خداوند بر هیچ بی‌عقلی نماز و روزه را واجب نکرده است، و تنها غیرعقل، جزء حیوانات زنده است.

معنای «وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ»

هر موجود زنده‌ای در جای خاصی زندگی می‌کند، و آن موجود هم برای ادامه حیات خود، از همان جای خاص مایه برداشت می‌کند؛ هیچ وقت، این ماهی از آن منطقه آبی که در آن زندگی می‌کند، بلند نمی‌شود به داخل شهرها بیاید و آن مایه لازم

برای ادامه حیات خود را، از داخل شهرها بگیرد؛ زیرا اگر ماهی از آب بیرون بیفتد، می‌میرد؛ همین‌طور است اگر پرندگان هوایی بی‌پر بشوند؛ چون آن‌ها فضای معینی برای زندگی دارند؛ حیوانات صحرائی هم فضای معینی برای حیاتشان دارند؛ حیوانات جنگلی هم فضای معینی برای زندگی‌شان دارند؛ اما انسان این قدر ارزش دارد که تمام بر و بحر را برای او قرار دادند، و همه جاده‌های زمین و دریا را بر روی او باز کردند تا در هر فضایی که بخواهد، برود زندگی کند. اکنون فضانوردان چندین ماه به آسمان می‌روند و در آن جا می‌مانند. اگر انسان بخواهد در دریا زندگی کند، می‌تواند مدتی طولانی بر روی اسکله‌ها و کشتی‌های بزرگ زندگی کند؛ همین‌طور انسان می‌تواند در جنگل، صحرا و کویر زندگی کند. و به طور کلی خداوند می‌گوید، ما برای انسان، همه جا را جای زندگی قرار دادیم و در همه جا او می‌تواند از همه امکانات آن مکان استفاده کند؛ یعنی سفره زندگی، برای او عام است، و برای دیگر موجودات، خاص است؛ جای ماهی، آب است؛ چنان‌که جای پرنده هم هواست؛ همین‌طور جای چرندگان هم بیابان‌های آفریقا و کویرهای عرب است؛ جنگل هم جای شیر، گراز، خوک و از این قبیل حیوانات است؛ اما همه جای خشکی و دریا، جای زندگی انسان است.

معنای «وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ»

من پروردگار، همه موجودات زنده در دنیا را در خوراک آزاد گذاشتم تا هرچه از حرام و حلال می‌خواهند بخورند؛ سگ که می‌میرد، لاشه آن را پرندگان، چون: کرکس می‌خورند، و چنین غذایی، خیلی برای آن‌ها خوشمزه است. آن‌ها لاشه گاو و شیر را هم می‌خورند؛ چنان‌که سگ هم لاشه شیر را می‌خورد. سگ استخوان خشک خوک و یا سگ دیگر را می‌خورد و برایش فرقی هم نمی‌کند. خلاصه، خداوند متعال تمام موجودات زنده را در نجاست‌خواری، مردارخواری و حرام‌خواری آزاد گذاشته و آن‌ها در خوردن چنین چیزهایی آزادند. تنها موجوداتی که خداوند متعال رزق طیب برای آن‌ها قرار داده، بنی آدم است. آن‌ها باید بر سر سفره‌ای تمیز بنشینند؛ چون آن‌ها موجودی ویژه‌اند، باید سر یک سفره پاک بنشینند. خوراک گوشت بنی آدم، مخصوص است، در حالی که گوشت سگ را سگان دیگر، خرس‌ها و گرازها می‌خورند. گوشت گراز هم خوراک شیر است؛ چنان‌که گوشت شیر هم خوراک سگ است؛ ولی خداوند خوراک انسان را گوشت چهارپایان و بهیمة الانعام قرار داده، گوشت پاکیزه‌ای که نسبت به اخلاق انسان مضر نیست؛ نسبت به عقل او ضرری ندارد؛ نسبت به خطوط زیبای الهی که در روان او موجود است، ضرری نمی‌رساند. «وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ»، چه طیبات ذاتی باشند و چه طیبات عرضی، فرقی نمی‌کند، و تنها باید حلال بودن و طیب بودن غذا، سر سفره انسان رعایت شود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا.» (۲)؛ چون خداوند متعال خوردن حلال‌آلوده را هم برای انسان حرام کرده است. اگر در آبگوشت یک قطره خون افتاد، ما باید آن را دور بریزیم. این ریختن هم اسراف نیست؛ زیرا خوردن چنین آب‌گوشتی حرام است؛ همین‌طور اگر در هجده کیلو روغن آب شده در حلب، یک فضله موش افتاد، خداوند راضی نیست که یک ذره آن در بدن ما انسان‌ها بیاید؛ چون چنین روغنی نجس و حرام است؛ برای این که توی انسان، مهمان ویژه من پروردگار در این عالم هستی؛ توی انسان، موجود خاص من، در این عالم هستی؛ تو مصداق «كَرْمَنَا»ی من هستی و بقیه موجودات چنین نیستند؛ تو مصداق «حَمَلْنَا» هستی و می‌بینی بقیه حیوانات چنین نیستند. اگر حیوانی دریایی باشد، باید در دریا زندگی کند، و اگر حیوانی صحرائی باشد، باید در صحرا زندگی کند و اگر حیوانی هوایی باشد، باید در هوا زندگی کند، و اگر حیوانی جنگلی باشد، باید در جنگل زندگی کند، ولی هم خشکی و هم دریا، جای زندگی توست. من به توی انسان قدرت پیمودن اقیانوس‌ها را دادم. ساخت این کشتی‌های پانصد هزار تنی، کار تو نیست؛ کار مغز تو است که ساخته فکر من است، پس ساخت کشتی در واقع، کار من است، و اگر به کشتی اجازه ندهم که در این دریا باشد و راه برود، این بار پانصد هزار تنی را که زیر آن، شل‌ترین مایع است، دهن باز می‌کند، و این کشتی به اعماق آن فرو می‌رود. در

نتیجه، ساخت کشتی هم مربوط به فکر من است؛ چون مغزی که درباره ساخت آن فکر می‌کند، متعلق به من است. من خداوند این مغز را به توی انسان دادم؛ تخته کشتی را من به تو دادم؛ آهن و میخ این کشتی را من به تو دادم؛ راه هماهنگ کردن این اجزاء را من به تو دادم. خلاصه، ساخت کشتی کار تو نیست؛ توی انسان، استقلالی در این امور نداری؛ چون تو مهمان ویژه‌ای هستی، من این قدر به تو فضا دادم. «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ» (۳)، من پروردگار، هر چیزی را که آلوده است، حرام کرده‌ام. حتی بعضی از مراجع فعلی ما، و البته، مراجع گذشته ما و فکر می‌کنم من فتوای صد و ده نفر آن‌ها را دیده باشم که به حرمت کشیدن تریاک فتوا داده‌اند؛ چون دود آن را از خبائث می‌دانند؛ چرا این دود تریاک، حرام است؛ چون خداوند این دود خبیث را برای مهمان ویژه‌اش نپسندیده است. بعضی از مراجع فعلی ما، محض ارزش انسان که باید از خبائث دور بماند، به طور علنی، سیگار را هم حرام می‌دانند و به آن فتوا می‌دهند و می‌گویند، دود سیگار هم از خبائث است. شمای انسان، مهمان ویژه پروردگار هستی؛ شما مصداق «رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ» هستید؛ شما نباید دود بخورید و این خوردن، حرام است. این حقایق را باید از بیدارانی که حقیقت را می‌بینند، پرسید. زمانی واعظی از زنجان می‌آمد، البته، گاهی، و نه همیشه. من او را ندیده بودم. فکر می‌کنم آن موقع من تازه به دنیا آمده بودم و چند سالم بود که او از دنیا رفته بود، ولی من هم در همدان و هم در تهران، پامنبری‌های فهمی او را دیدم که هم این افراد مُردند و هم کسانی که به آنها خیلی مربوط بودند و با آن‌ها همسفر می‌شدند. من این دو طایفه را دیدم. به شهادت این دو طایفه، از این خطیب برای من خاطراتی نقل شد، از جمله این که نام این خطیب حاج ملا آقاجان بود؛ وقتی مصیبت می‌خواند، نه تنها دیده مردم را می‌گریاند، بلکه تمام در و دیوار را هم به گریه می‌انداخت و خود او هم دگرگونی‌های مختلفی پیدا می‌کرد. در مجلس هم تصرف می‌کرد و نمی‌گذاشت چشمی بی‌گریه بماند و چشم خشک را راه می‌انداخت. وقتی ملا آقاجان در یک جا منبر داشت و کسی هم از اخلاق او مطلع نبود، در حالی هزار نفر هم پای منبر او بودند، در اوج منبر، و یا در اوج مصیبت، تا یک نفر کبریت به سیگار می‌زد، فوراً سخن خود را در منبر قطع می‌کرد و از منبر پایین می‌آمد و می‌گفت، فرشتگانی که اجازه گرفته بودند، در مجلس ابی‌عبدالله (ع) شرکت کنند، با روشن شدن سیگار، رفتند، من هم دیگر نمی‌توانم منبر را ادامه بدهم. مستمع‌های خوب من رفتند. انسان ارزش دارد، برای این که «رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ».

معنای «وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»

می‌خواهم درباره جمله چهارم و فهم از این جمله سخن بگویم. من قبل از این که جمله چهارم را بخوانم، می‌خواهم با یقین و با قاطعیت بگویم، کلمه «کثیر» در این آیه قرآن، به معنای کل است، نه به معنای بسیار. به دلیل این که خدا در قرآن وقتی که درباره شیطان بحث می‌کند، می‌گوید: «وَأَكْثَرُهُمْ كَاذِبُونَ» (۴): اکثر شیاطین دروغگو هستند؛ معنای این سخن، بنابر این که «کثیر» به معنای بسیار باشد، این خواهد بود که ما شیطان راستگو هم داریم؛ کسی که راستگو باشد، دیگر شیطان نیست. وقتی خداوند شیطان را لعنت کرده، به این معنا خواهد بود که بعضی از راستگوها را لعنت و رجم کرده است، در حالی که خداوند سبحان، راستی را که لعنت نمی‌کند؛ راستی را که رجم نمی‌کند؛ راستی را که به جهنم نمی‌برد. خداوند در برابر گفته شیطان در گمراه نمودن انسان‌ها از راه راست، قسم خورد که من توی شیطان و پیروان را همگی به جهنم می‌برم (۵)؛ یعنی خداوند همه شیاطین را به جهنم می‌برد، پس این جا هم کلمه «کثیر»؛ به معنای کل است، پس معنای آیه، این نیست که ما بنی آدم را بر کثیری از آفریده‌ها برتری دادیم؛ بلکه این است که بنی آدم را بر همه آفریده‌هایمان برتری دادیم. مضمون آیه، از این قرار می‌شود که اول من پروردگار هستم و بعد انسان است، و بعد هم باقی موجودات، و توی انسان، وسط بین من خدا و همه موجودات هستی؛ توی انسان بعد از من هستی و فوق همه مخلوقات. وقتی توی انسان این موقعیت را شناختی و خودت را فهمیدی

و دانستی، خواهی دید، در برتری، اول خدا قرار دارد، و بعد انسان، و بعد جهان با همه موجوداتی که دارد، هر کس که می‌خواهد باشد، می‌خواهد این کس جبرئیل (ع) باشد، و یا میکائیل (ع)، و یا اسرافیل (ع)، و یا عزرائیل (ع)؛ می‌خواهد این کس از ملائکه عرش باشد، و یا از ملائکه حول عرش. در هر حال، اول خدا برتر است، بعد انسان، و بعد سایر موجودات. حالا وقتی می‌آیم به سراغ این انسان‌ها، می‌بینیم که برخی از انسان‌ها، نسبت به برخی دیگر از انسان‌ها برتری دارند؛ یعنی این گونه نیست که مجموعه حقایقی که عبارت‌های «کَرَمْنَا»، «حَمَلْنَا»، «رَزَقْنَا» و «فَضَّلْنَا» بیان می‌کنند، نسبت به همه انسان‌ها یکسان باشند؛ چرا که در رأس همه انسان‌ها، انبیاء و ائمه: قرار دارند. از این جا به بعد بحث را، باید بهتر در آن دقت کرد. کسی نگوید، چرا در روز تاسوعا شما سراغ این بحث رفته‌اید؟ اتفاقاً می‌خواهم بگویم، من دارم بحث روز تاسوعا را مطرح می‌کنم، بحثی نو، زنده و تازه که تاکنون از کسی شنیده نشده است. طبق حیاتی که قرآن بیان می‌کند، در میان مجموع انسان‌ها، انبیاء و ائمه طاهرین:، برترین هستند. در میان انبیاء هم نسبت به همدیگر برتری وجود دارد که دیگر در دایره وجودی خود آن‌ها مطرح است: «تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ» (۶)، در این آیه، خدای متعال می‌گوید که در انبیا، عده‌ای بر برخی دیگر از آن‌ها برتری دارند؛ پنج تای آن‌ها بر صد و بیست و چهار هزار نفر برتری دارند: نوح، ابراهیم، موسی عیسی: و پیغمبر (ص). در این پنج نفر، یک نفر بر همه برتری دارد که پیغمبر است. پس او برترین انسان است. دیگر چه کسی هم‌سنگ پیغمبر (ص) است. آیا ابراهیم چنین است؟ باید بگویم، نه، این پنج پیامبر با هم، برتر از همه پیامبران هستند. از در آن پنج تا هم فاکتورگیری شده، و یک نفر نسبت به همه آنان، برتر است.

علی (ع) جان پیامبر (ص)

کسی از پیامبر اکرم (ص) می‌پرسد شما در این برتری بر صد و بیست و چهار هزار پیامبر، آیا شریک هم داری؟ قرآن در جواب او می‌گوید: بله، یک نفر در این برتری بر کل انبیاء، با توی پیامبر شریک است، کسی که من از طرف خدا از او تعبیر می‌کنم به جان تو: «نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ» (۷) که فردا دیدند پیامبر راستگو که گفته بود، همه فرزندانمان را برای مباحله می‌آوریم و لفظ فرزند را به صورت جمع آورده بود، بعد تنها دو فرزند را آورده، و با این که گفته بود، تمام زنان ما را می‌آوریم، و بعد دیدند، او تنها یک خانم را به نام فاطمه (س) آورده؛ همین‌طور گفته بود، تمام جان‌های مان را می‌آوریم، بعد دیدند این پیغمبر راستگو با خود فقط علی را آورده است؛ یعنی حسن (ع) و حسین (ع) من، همه فرزندانم هستند، و زهرا (س) به تنهایی، همه زنانم است، و علی هم به تنهایی همه جان‌هایم هست، پس به دلیل این آیه، علی (ع) از همه انبیاء به طور یقین، برتر است و در آن، شکی هم وجود ندارد. پس پیامبر اکرم (ص) و علی (ع)، برترین است، و پیامبر اکرم (ص) نمی‌توانست بی‌علی زندگی کند. پیامبر اکرم (ص) با به وصلت در آوردن دختر خود برای علی (ع)، زمینه به وجود آمدن یازده امام معصوم: دیگر را به وجود آورد. بدون وصلت با علی (ع)، این یازده امام از هیچ کس دیگر به وجود نمی‌آمدند؛ چون یازده امام در خزانه وجود علی (ع) تعبیه شده بود. در بیست و سه سال رسالت خود هم اعلام کرد، یک نفر از امت من، در قیامت نمی‌تواند بی‌امضای علی (ع) از صراط رد بشود. از پیامبر اکرم (ص) نقل شده و ناقل هم امام رضا (ع) است که خدای عز و جل گفت: «وَلَا يَهُدَىٰ عَلِيٌّ بِنِ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ حِضْبِي فَمَنْ دَخَلَ حِضْبِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي» (۸) همین‌طور پیامبر اکرم (ص) اعلام کرد، هر انسانی از دنیا برود و علی (ع) از او راضی نباشد (۹)، آمرزیده نخواهد شد. نیز حضرت اعلام کرد: خدای متعال سه هزار تا اسم دارد که هزار تای آن‌ها را پیش مردم گذاشته و در دعای جوشن کبیر، آن‌ها را آورده، و هزار تای آن‌ها را به انبیا تعلیم داده است که آنان آن اسامی را به مردم نگفتند، و هزار تا از آن اسامی را هم به خود اختصاص داد و هم چنین علی بن یونس نباطی بیاضی، الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۵۷، در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده است: «فإن رضا علی رضا الله و غضبه غضب الله .. به انبیا هم خبر نداد، و ما حالا از

این سه هزار اسم خیر داریم . خدای متعال در ازل که می‌خواست خود را نامگذاری کند ، از این سه هزار نام ، اولین نامی که برای خود انتخاب کرد ، علی بود : العلی العظیم . (۱۰)

مقام قمر بنی‌هاشم (ع) از زبان حسین (ع)

یک بار دیگر آنچه گفته شد ، را مرور می‌کنیم : ۱. تکریم نمودیم انسان را ، نه دیگران را ؛ ۲. حمل نمودیم ، این موجود را ؛ ۳. از پاکیزه‌ها روزی دادیم این موجود را ؛ ۴. این انسان را بر همه موجودات برتری دادیم و گفتیم که منظور از «کثیر» در آیه ، معنای کل است ؛ ۵. در میان انسان‌ها هم گفتیم که صد و بیست و چهار هزار پیامبر و امامان برترین هستند ، و در میان آنان هم پنج اولوالعزم وجود دارند که برترین هستند ، و در میان این پنج اولوالعزم هم پیامبر اکرم (ص) برترین است و علی (ع) نیز در این برترین بودن ، با او شریک است . سخنم را به طور خلاصه یک بار دیگر بیان می‌کنم تا آنچه شنیده‌اید را یک بار دیگر مرور کنید . آنچه گفته شد ، بحثی قرآنی خالصی بود که مستند همه سخنانش هم آیات بود . روایتی هم اگر گفته شد ، مرتبط به آیات بود . از میان همه هستی ، فقط به علی (ع) نگاه کنید . وقتی در آینه ذهن خود ، به علی (ع) نگاه کردید ، قلب و مغز شما کاملاً متوجه علی (ع) خواهد شد . حضرت علی (ع) با آن عظمتی که داشت ، در ماجرای ، خطاب به حسین (ع) گفت : «فداک أبوک (۱۱) : پدرت علی فدایت . آن وقت در همین یک و دو ساعت مانده به غروب روز تاسوعا ، این حسین (ع) به قمر بنی‌هاشم (ع) گفت : من فدایت! مدرک این حرف کجا است ؟ آری ، من فدای قلمی بشوم که این جمله را نوشت : ابی‌عبدالله (ع) به قمر بنی‌هاشم (ع) گفت : «بنفسی انت» : حسین قربانت برود . آن دستی که این سخن را نوشته ، دست شیخ مفید در کتاب ارشاد است (۱۲) ، قلم یکی از بالاترین علمای شیعه که اهل سنت هم او را قبول دارند . به راستی ، چه کسی می‌تواند بهتر از حسین (ع) مقام قمر بنی‌هاشم (ع) را بفهمد ؟

پاورقی

۱. اسراء: ۷۰: به یقین فرزندان آدم را کرامت دادیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌هایی که در اختیارشان گذاشتیم سوار کردیم، و به آنان از نعمت‌های پاکیزه روزی بخشیدیم، و آنان را بر بسیاری از آفریده‌های خود، برتری کامل دادیم. ۲. بقره: ۱۶۸: ای مردم! از آنچه [از انواع میوه‌ها و خوردنی‌ها] در زمین حلال و پاکیزه است، بخورید. ۳. اعراف: ۱۵۷: همان کسانی که از این رسول و پیامبر «ناخوانده درس» که او را نزد خود [با همه نشانه‌ها و اوصافش در تورات وانجیل نگاشته می‌یابند، پیروی می‌کنند پیامبری که آنان را به کارهای شایسته فرمان می‌دهد، و از اعمال زشت بازمی‌دارد، و پاکیزه‌ها را بر آنان حلال می‌نماید، و ناپاک‌ها را بر آنان حرام می‌کند ۴. شعراء: ۲۲۳. ۵. اشاره به آیه هشتاد و پنجم سوره ص «لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ» ۶. بقره: ۲۵۳. ۷. آل عمران: ۶۱. ۸. شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام ج ۲، ص ۱۳۶، حدیث ۱. ۹. المحاسن، ج ۱، ص ۸۹ از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده است: التَّارِكُونَ وَلَايَةَ عَلِيٍّ (ع) الْمُتَكِرُونَ لِفَضْلِهِ الْمُطَاهَرُونَ أَغْدَاءَهُ خَارِجُونَ عَنِ الْإِسْلَامِ مَنْ مَاتَ مِنْهُمْ عَلَى ذَلِكَ. ۱۰. الکافی، ج ۱، ص ۱۱۳، حدیث، در حدیثی از امام رضا (ع) آورده: فَأَوْلُ مَا اخْتَارَ لِنَفْسِهِ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لِأَنَّهُ أَعْلَى الْأَشْيَاءِ كُلِّهَا. ۱۱. ابن ابی‌حدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۲۵۳. ۱۲. الإرشاد، ج ۲، ص ۹۰: قَالَ لَهُ الْعَبَّاسُ بْنُ عَلِيٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ: يَا أَخِي أَتَاكَ الْقَوْمُ فَنَهَضَ ثُمَّ قَالَ: يَا عَبَّاسُ! ارْكَبْ بِنَفْسِي أَنْتَ يَا أَخِي.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که

امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه و فائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شبا: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۱۸۰-۰۱ IR۹۰- به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :-

هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبتِ ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

